

بخشی از کتاب تحلیلی بر نگاه امام به هنر و رسانه

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخشی از کتاب تحلیلی بر نگاه امام به هنر و رسانه

## فهرست مطالب

نگاه ما به نگاه امام.....	۷
نسبت امام با هنر و رسانه.....	۱۵
نگاه امام به هنر.....	۱۹
هنر و درد دین.....	۲۱
هنر و دردهای جهان بشریت.....	۳۳
هنر و دردهای جامعه.....	۳۶
جلوگیری از ابتذال.....	۴۳
یک راهبرد برای عملی شدن هنر متعهد.....	۴۵
نگاه امام به رسانه.....	۵۱
فراگیری رسانه.....	۵۴
رسانه و اولویت عدم ایجاد انحراف.....	۵۶
دانشگاه عمومی.....	۵۹
نقش اول و مسئولیت بالاتر.....	۶۳
ویژگی‌های اداره کنندگان رسانه.....	۶۷

## طلیعه

نوشتار حاضر، بر اساس سخنرانی حجت‌الاسلام علی‌رضا پناهیان دربارهٔ هنر و رسانه از دیدگاه امام خمینی(ره)، تنظیم و تدوین شده است. این سخنرانی دوجلسه‌ای، به مناسبت هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)، و در جمع هیئت دانشجویان دانشگاه هنر ایراد شده است.

توجه به وضعیت امروز هنر و رسانه، و نسبت این دو با آنچه که معمار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، از جایگاه مطلوب هنر و رسانه ترسیم کرده است، در ضمن تحلیل و بررسی نظرات ایشان دربارهٔ هنر و رسانه، چارچوب اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

این مؤسسه ضمن استقبال از نظرات خوانندگان عزیز، امیدوار است که بتواند ادامهٔ همین مباحث، و نیز سایر مباحث ارائه شده توسط حجت‌الاسلام علی‌رضا پناهیان پیرامون «هنر و رسانه» را، در اولین فرصت به خوانندگان عزیز تقدیم نماید.

مؤسسه عصر بیان معنوی

bayan.manavi@gmail.com



## نگاه ما به نگاه امام



پیش از پرداختن به نگاه امام، ابتدا ببینیم خود امام در کجای «زندگی» ما قرار دارد؟ هرچند در مورد آنان که امام را بسیار دوست دارند، باید پرسید امام در کجای «هستی»شان قرار دارد؟ چون بسیار عمیق‌تر از این حرف‌ها به امام احساس وابستگی می‌کنند. اما فعلاً می‌خواهیم حداقلی بحث کنیم. پس ابتدا ببینیم به خود امام چگونه نگاه می‌کنیم؟

آیا واقعاً امام را به رهبری پذیرفته‌ایم؟ آیا حاضریم خود را به او بسپاریم و با راهنمایی او راه برویم؟ یا باید با بیان عظمت او ما را به این تسلیم، وادار کنند؟ هر چند تسلیم شدن مانند دل سپردن نمی‌شود. و اگر کسی به امام عشق بورزد و امامتش را بپذیرد، البته بیشتر از او سود می‌برد.

امام غیر از فقاہت و عرفانش به عنوان یک متفکر و فیلسوف در بسیاری از زمینه‌ها، آغازگر اندیشه‌های نو و تحول‌آفرین بوده است؛ اندیشه‌هایی که فراتر از زمان خودش، در آینده نیز بسیار تأثیرگذار خواهند بود. نمی‌توانیم از کنار امام که آیینۀ اندیشه‌ای برای آینده است، به سادگی عبور کنیم، چرا که در این صورت از تحولات آینده عقب خواهیم افتاد.

ما طبیعتاً برای حضرت امام احترام بسیاری قائل هستیم. ولی چیزی بالاتر از احترام و حتی علاقه داشتن به ایشان، این است که به امام معتقد باشیم. این اعتقاد ضمن آنکه تعیین‌کننده جهت حرکت فردی و اجتماعی ما خواهد بود، ما را به سلسله دیدگاه‌ها و مبانی مشترکی می‌رساند، که برای هر نوع گفت‌وگو و تفکر جمعی لازم و ضروری است.

امروز ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که تلقی‌ها از پدیده‌ها و مفاهیم با هم بسیار متفاوت‌اند. و زندگی با سرعت زیاد در حرکت است و نمی‌شود انسان‌ها را متوقف کرد تا ابتدا همه به توافق‌های اولیه در مبانی فلسفی برسند، و بعد در سرشاخه‌ها به تفاهم‌های کاربردی دست یابند. یعنی نمی‌توان ابتدا منتظر توافق‌های نظری محض بود تا وجه مشترکی پیدا شود که بعد بر مبنای آن وجه مشترک، نحوه برنامه‌ریزی تشخیص داده شود.

انسان‌ها نیز معمولاً در زندگی خودشان عملاً همین روند را پیش می‌گیرند. یعنی همیشه از ابتدا شروع نمی‌کنند که بر اساس مباحث بنیادین و هستی‌شناسانه بررسی‌های کاملی صورت دهند و تمام مبانی را روشن نمایند و بعد به سرشاخه‌ها برسند و بر اساس آن برای زندگی خودشان برنامه‌ریزی کنند. بالاخره با تکیه بر پیش‌فرض‌هایی و یا با علم اجمالی به یک سلسله مبانی، تفکر و برنامه‌ریزی‌های خود را آغاز می‌کنند. یا دیدگاهی را آگاهانه و یا از روی علاقه انتخاب می‌کنند، و بر اساس آن زندگی می‌کنند، سپس آن دیدگاه را در مسیر زندگی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. آنگاه اگر این انتخاب و این تجربه به خطا انجامید که تغییر پیدا می‌کند، و اگر تجربه خوبی بود که ادامه پیدا می‌کند، و تقویت خواهد شد.

به‌ویژه در مقام ادارهٔ یک جامعه، نمی‌توان حرکت جامعه را متوقف کرد، تا ابتدا مبانی اولیه مورد بررسی قرار گیرد، سپس نحوهٔ زندگی اجتماعی را تعیین کرد، و آنگاه به راه افتاد. زندگی مدت‌هاست که آغاز شده است و هر لحظه نیازمند فعالیت ماست. گرچه این یک وضعیت خوب و ایده‌آل است که همه چیز را از نقاط آغازین شروع کنیم، ولی هیچ‌گاه مشکلات و ضرورت‌ها مجال این همه دورخیز را به ما نمی‌دهند. علاوه بر این چنانچه با یک تکیه‌گاه نظری محکم از میانه‌های راه نیز آغاز کنیم

می‌توانیم به سر منزل مقصود برسیم. حالا اگر بخواهیم از میانه راه آغاز کنیم، از کدام تکیه‌گاه محکم شروع کنیم؟

دیدگاه‌های حضرت امام برای زندگی اجتماعی و فردی ما تا زمان ظهور، هدایت‌کننده و تکیه‌گاهی مطمئن و منحصر به فرد است. امام فقیهی عالی و فیلسوفی جامع‌نگر و عارفی کامل است و دیدگاه‌هایش از مبانی نظری محکمی برخوردارند. حُسن ایشان این بود که هم یک زمان‌شناس، انسان‌شناس و جامعه‌شناس بسیار عالی و همچنین یک دین‌شناس بسیار توانمند بودند و در عین حال از ذهنی بسیار قوی و خلاق برخوردار بودند. قدرت خلاقیت و اوج عقلانیتی که در امام بود، به انسان اطمینان کامل می‌دهد که به نظرات ایشان اتکا کند.

در مقام عمل هم تجارب فراوانی داشتند. امام در سن و سال‌های جوانی بودند که ضمن گذراندن دوران طلبگی‌شان، در مجلس شورای ملی هم شرکت می‌کردند. از قم به تهران می‌آمدند و در قسمت نظارت مجلس می‌نشستند و در جریان گفت‌وگوها قرار می‌گرفتند.<sup>۱</sup> این یک نمونه از تجارب ارزش‌مند ایشان است. این تجارب زمانی ارزش و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که انسان می‌بیند ایشان از فرصت‌هایی که برای

---

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۶۷ و ج ۱۶، ص ۴۵۱.



تجربه‌اندوزی فراهم می‌شد خیلی دقیق استفاده می‌کردند، به گونه‌ای که هنوز وقتی خاطرات امام بازگو می‌شود، از تازگی خاصی برخوردار هستند.

خاطرات و نمونه‌هایی از این دست، توجه انسان را به این نکته جلب می‌کند که امام یک جامعه‌شناس بسیار واقع‌بین بودند. هیچ وقت از اسلام به صورت انتزاعی حرف نمی‌زدند. از حقایق عالم ایده‌آل‌گرایانه، خیال‌پردازانه، منفی‌بافانه یا مثبت‌نگرانه به صورت افراطی و بریده از واقع‌بینی صحبت نمی‌کردند. امام اگر رهبر هم نمی‌بودند، یک متفکر، یک اندیشمند اجتماعی، و یک عالم درجهٔ یک علوم انسانی بودند. جامعیتی که در اثر حضور تمام این ویژگی‌ها در امام به وجود آمده بود، از او یک شخصیت بسیار قابل اعتماد ساخته بود. لذا کاملاً طبیعی و معقول است که به دیدگاه‌ها و نظرات حضرت امام با دید بسیار مطمئنی نگاه کنیم.

بنابراین اگر بخواهیم از میانهٔ راه و از تکیه‌گاهی محکم و مطمئن آغاز کنیم، و به تفکر و برنامه‌ریزی در حوزه‌های فردی و اجتماعی بپردازیم، مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین گزینه این است که نگاه امام را، در این مقطع، برای خودمان مبنای قطعی قرار دهیم.

اگر کسی بخواهد تشکیکی در دیدگاه‌های امام داشته باشد، باید در حد و اندازه‌های چنین جایگاهی باشد. یعنی اولاً باید بسیار هوشمند باشد. ثانیاً باید انسان را، جامعه را و جهان را بشناسد، و ثالثاً دین را هم بشناسد، و با آن برخوردی عالمانه و روشن‌فکرانه داشته باشد. لاقلاً اگر بخواهیم خیلی روشن‌فکرانه سخن گفته باشیم، به عنوان یک پیش‌فرض، از این نقطه به بعد شروع کنیم، و اوضاع خود را سامان دهیم. یعنی سخن حضرت امام را لاقلاً به عنوان یک پیش‌فرض، مبنای تفکر خود قرار دهیم.

معلوم است که ما معمولاً به این سادگی حرف کسی را نمی‌پذیریم، چه رسد به اینکه آن را مبنا هم قرار دهیم. شاید این یک جسارت دانشجویی یا طلبگی باشد که هنوز در ما باقی مانده است. نه در فقه، به سادگی و بدون بررسی سخن فقیهان را قبول می‌کنیم که چنین پذیرشی خلاف مشی اجتهاد است، و نه در فلسفه نظر فیلسوفان را در بست می‌پذیریم که خلاف عقلانیت است. اگر کسی را بی‌دلیل برای خودمان بزرگ کنیم، راه تفکر خود را بسته‌ایم.

اما با همین روحیه و با همین جسارت، وقتی مقابل فرمایشات امام قرار می‌گیریم، واقعاً در انسان یک تواضعی پدید می‌آید. وقتی انسان مجموع دیدگاه‌های حضرت امام را با دقت

بررسی می‌کند، می‌بیند واقعاً چنین نظرات نابی را کجا می‌توان پیدا کرد که این همه جامعیت و دقت داشته باشد؟ لذا اجازه می‌خواهم که سخنان حضرت امام را مثل وحی مُنزل بگیریم و این اصلاً به آن معنا نیست که ما او را معصوم دانسته، و بیش از او اندیشیدن را منع کنیم و بیشتر از او فهمیدن را ممنوع بدانیم. بعد از سخن خدا و سخنان اولیاء خدا، اگر سخنی بخواهد در حیات اجتماعی و فرهنگی ما قابل اعتماد و اتکاء باشد، انصافاً سخن حضرت امام است. و اگر حضرت امام در مورد چیزی به هر مقدار نظری داده باشند، خوشا به سعادت آن چیزی که امام در مورد آن نظر داده‌اند. نظرات ایشان به شدت راه‌گشا است، و اگر تفکر کنیم، هم می‌توان از نظراتشان برداشتهای فراوانی کرد و هم تفکر در نظرات ایشان می‌تواند سرچشمهٔ معارف بسیاری قرار گیرد.

امام حرف غیر مفید نمی‌زدند. این اصلاً زیّ سالکانهٔ ایشان بود. اقتضای منش سالکانه و زاهدانهٔ ایشان این بود که کم حرف می‌زدند. و حتماً خودشان گزینش می‌کردند که چه چیزی را باید بگویند. لذا چیزهایی را هم که فرموده‌اند، جدا از اعتبارش، می‌شود به اهمیتش هم بسیار اعتنا کرد.

با این مقدمه می‌خواهیم به بحث دربارهٔ دیدگاه‌های حضرت امام دربارهٔ هنر و رسانه بپردازیم. البته می‌توان به ذکر جملات

امام در این باره اکتفا کرد. اما شاید امروزه دیگر تنها روایت کلمات امام کافی نباشد. بلکه باید با بحث درباره آن سخنان، نکات کلیدی و مهمی را استنتاج نمود و با درایت، به لوازم و نتایج کلمات ایشان در عرصه‌های مختلف توجه کرد و با نور آن راه را روشن نمود.

## نسبت امام با هنر و رسانه



جدای از همه آنچه اشاره شد، امام به دلیل عرفان و جامعیت معارفش، یک هنرشناس به تمام معنا، و به دلیل هنر تأثیرگذاریش بر مردم، یک کارشناس مجرب رسانه‌ای است.

چه کسی می‌تواند هنر را از عرفان جدا ببیند؟ و چه کسی مانند عارف که تمام حقائق عالم برایش مکشوف است، از حقیقت هنر آگاهی دارد؟ امام به حکم آن بُعد عرفانیش، نه تنها زیبایی‌های عالم را بهتر درک می‌کند، بلکه در تولید زیبایی مانند یک هنرمند سرآمد است؛ با کوچک‌ترین اراده‌ای سروده‌هایی بر زبان قلمش جاری می‌شود که عقل سال‌ها در تفسیر آن حیران می‌ماند.

از دست خط زیبای او که بگذریم می‌توانیم او را یکی از تولیدکنندگان ادبی در تاریخ ادبیات معاصر به حساب آوریم و تعبیر زیبا و بدیع او را برای تبیین مفاهیم زیبای دین همیشه به یادگار نگاه داریم. زیبایی‌های تعبیر او هیچ‌گاه از عمق و کارایی کلماتش در دقیق‌ترین مسائل اجتماعی و معارف دینی کم نمی‌کند.

در مورد رسانه‌ای بودن امام هم نیاز به یادآوری نیست که امام یک نویسنده مبلغ بود، و یک سخنران موفق. او صاحب بیان نافذی است که به دلیل شناخت فوق‌العاده‌ای که از مخاطب دارد، و به دلیل قدرت انتخاب مطلب بی‌نظیر و طراحی بی‌بدیلی که در ارائه مباحث خود دارد، در مقام بیان بسیار مؤثر عمل می‌کند. ایشان تنها یک متفکر نیست که نیاز داشته باشد دیگران اندیشه او را تبلیغ کنند، بلکه خود یک عنصر تبلیغاتی است. تبلیغات را چشیده و می‌فهمد.

او راحت می‌توانست حماسی صحبت کند، یا اخلاقی سخن بگوید و یا عالمانه به آموزش مسائل غامض علمی بپردازد. هنگام صحبت، می‌توانستند جمعیتی را از جا بکنند. اگر همین الان جوانان ما، برخی از سخنرانی‌های ایشان که شاید مربوط به نیم قرن پیش از تولدشان باشد را گوش کنند، متأثر و متحول

نسبت امام با هنر و رسانه ○ ۱۷

می‌شوند. امام خودشان این کاره‌اند؛ اهل ارتباطاتند؛ به حدی که توانستند با چند اطلاعیه، بزرگ‌ترین انقلاب قرن را هدایت کنند. با این توجه و با این نگاه به امام و نسبت او با هنر و رسانه، ببینیم چقدر می‌توانیم از اندیشه‌ها و نظرات ایشان برای خدمت کردن به این دو موضوع مهم، یعنی هنر و رسانه، بهره‌برداری کنیم، و از این دو عنصر کلیدی برای خدمت به جامعهٔ خودمان و به جامعهٔ بشری، بهره‌جوییم.